

چراپی نزدیکی ایران و روسیه

بازی در دوزمین

به ادعای ناظران، ژوئیه ۲۰۱۵، (شهید) قاسم سلیمانی، فرمانده نیروی قدس سپاه پاسداران، به مسکو سفر کرد تا درباره طرح اضطراری درباره سوریه که کنترل ۸۰ درصد از خاک آن در اختیار شورشیان قرار داشت، با مقام‌های کرملین رایزنی داشته باشد. فازز افزز مدعی شد، روسیه در آن بازه زمانی در انعقاد توافق هسته‌ای ایران در سال ۲۰۱۵، معروف به برنامه جامع اقدام مشترک (برجام) کمک کرده بود. سفر (شهید) سلیمانی که سه ماه بعد رسان‌های شد، آغازگر تحول یک دهه‌ای روابط روسیه و ایران، از همکاری تاکتیکی در سوریه تا مشارکت در سال جاری قلمداد می‌شود، رخدادی که در ژانویه ۲۰۲۵ با امضای توافقنامه مشارکت استراتژیک بین دو کشور به اوج خود رسید.

کشتی کردن جیبه غرب

مداخله روسیه در سوریه، مسکو را واداشت تا موازنه‌ای ظریف و در عین حال حساسی بین ایران و اسرائیل تعریف کند، دو بازیگری که مسکو با آنها روابط دیپلماتیک دارد. کرملین ضمن هماهنگی عملیات نظامی با ایران، کانال‌های دیپلماتیک خود را با اسرائیل حفظ کرد و حتی برای محدود کردن (ادعایی) قدرت ایران در سوریه خیز برداشت، اما حمله روسیه به اوکراین در سال ۲۰۲۲، در کنار رویارویی اسرائیل با حماس، ایران و حزب‌ا... این توازن را برهم زد، در این میان وابستگی فزاینده مسکو به فناوری نظامی ایران، این کشور را به تهران نزدیک تر کرد. یک دهه پس از سفر (شهید) سلیمانی، ایران و روسیه روابط بی سابقه‌ای برقرار کرده‌اند که امروز به واسطه تحریم‌ها و افززاد جهان و همچنین جنگ در اوکراین برجسته‌تر شده است. روسیه که زمانی معمار توافق برای محدود کردن برنامه هسته‌ای ایران بود، به یک عامل بالقوه برای پیشرفت هسته‌ای تهران تبدیل شده است. تغییر معادلات خاورمیانه، حملات اسرائیل به مواضع حماس و حزب‌ا... سقوط دولت بشار اسد و سه ساله شدن جنگ در سوریه موجب شد تا تهران و مسکو روابط نزدیکی تعریف کنند. همکاری نظامی با ایران برای روسیه حیاتی شده است و توسعه برنامه هسته‌ای ایران با کمک روسیه به سرعت در حال تبدیل شدن به قوی‌ترین اهرم فشار ایران علیه اسرائیل و غرب است. برای ایالات متحده و اسرائیل، این رابطه جدید خطر ظهور محور تاثیرگذار ضد غربی را به دنبال دارد. با این همه توسل به کمین «فشار حداکثری» علیه ایران، برای بسیاری از اعضای کابینه ترامپ در اولویت قرار دارد و همین گزاره ممکن است ایران را به روسیه نزدیک تر کند. در عوض، ایالات متحده باید در قاب یک مانور دیپلماتیک ظریف مشارکت داشته باشد، جلوگیری از تغییر دکترین هسته‌ای ایران بدون اینکه تهران در آغوش مسکو جای بگیرد. در این میان سوریه به عنوان میدانی برای آزمون حیاتی جهت همکاری نظامی ایران و روسیه بود، مسکو و تهران با وجود نداشتن تعهدات دفاعی رسمی یا تحریم عملیات مشترک قبلی، چارچوب‌های جامعی را برای هماهنگی نظامی و دیپلماتیک ایجاد کردند که با دخالت نظامی روسیه در سوریه در پاییز ۲۰۱۵ آغاز شد.

عبادت آرامیاش

میدان‌های یکپارچه هوایی و زمینی روسیه و ایران به دولت بشار اسد اجازه داد تا به طور موقت مناطق کلیدی را بازپس گرفته و عملاً زمینه را برای بقای دولت سوریه به مدت یک دهه هموار کند. این مکانیسم‌های هماهنگی آزمایش شده در نبرد باگسترش همکاری‌های نظامی روسیه با ایران پس از درگیری‌ها، مفید خواهند بود. کانال‌های همکاری موجود، مانند ساختارهای فرماندهی یکپارچه، پروتکل‌های اشتراک اطلاعات و کانال‌های تدارکاتی ساخته شده در سوریه علیه اوکراین مورد استفاده قرار گرفتند. روسیه همچنین برای حمایت مستقیم نظامی به ویژه در زمینه فناوری هوابیما‌های بدون سرنشین و تولید مشترک دفاعی به ایران متوسل شد. روسیه به موازات همکاری نظامی خود با ایران، روابط دیپلماتیک دقیقی با اسرائیل برقرار کرد. آنچه که به عنوان یک کانال منازعه‌زدایی برای جلوگیری از درگیری‌های نظامی سهوی در سوریه ایجاد شد، به دیپلماسی فعال بین دو طرف تبدیل شد و به ادعای ناظران به واسطه ده جلسه در سطح بالا با تمرکز بر حمایت روسیه از اسد و مخالفت با قدرت ایران در سوریه مورد رایزنی قرار گرفت. پوتین با محدود کردن حضور ایران در سوریه، به ویژه در بلندی‌های جولان، نزدیک به اسرائیل موافقت کرد. در مقابل، نتانیاهو به نیروهای اسد اجازه داد به بلندی‌های جولان بازگردند و حملات اسرائیل در سوریه (محدود کند) تا از بی‌ثباتی بیشتر جلوگیری شود. نتانیاهو از روابط خود با روسیه به نفع منافع داخلی اش فرصت‌سازی کرد و از تعامل نزدیک خود با پوتین در مبارزات انتخاباتی ۲۰۱۹ خود برای نشان دادن اعتبارش به عنوان یک بازیگر نریک در صحنه جهانی بهره برد. در همین حال، اسرائیل برنامه‌های خود را از طریق «کمین بین جنگ‌ها» دنبال کرد که هدف آن جلوگیری از ایجاد زیرساخت‌های نظامی دائمی توسط ایران در سوریه و ایجاد اختلال در مسیرهای تدارکاتی ایران به حزب‌ا... از طریق عملیات‌های مخفیانه و حملات هوایی بود. قبل از حمله گسترده به اوکراین در سال ۲۰۲۲، روسیه برای حفظ روابط خود با اسرائیل و ایران در حالی که منافع متضادی داشتند، تلاش می‌کرد تا مشکل حفظ تعادل منطقه‌ای اش را آشکار کند. از یک سو، مسکو چشم خود را بر عملیات اسرائیل علیه ایران و متحدان غیردولتی آن در سوریه بست. به ادعای ناظران، براساس داده‌های اطلاعاتی در ورتاس‌اپ که اخیراً توسط گروه شورشی حیات تحریرالاشام (HTS) در دمشق ضبط شده، در این میان تلاش‌هایی شده تا میان کرملین ویوسی کوهن، رئیس وقت موساد در اواخر سال ۲۰۱۹ رایزنی‌های محرمانه‌ای در باب منافع دو طرف انجام شود. در این میان، سوریه با ایران برای حفظ بشار اسد در قدرت هم صدا بود و به طور مخفیانه مستقیماً حزب‌ا... را مسلح می‌کرد. گفته می‌شود که فیض از ۷۰ درصد تسلیحات حزب‌ا... که در لبنان تصرف شده، ساخت روسیه بوده و مستقیماً از طریق پایگاه دریایی روسیه در طرطوس در سوریه تأمین می‌شود. با این همه، حمله ۲۰۲۲ به اوکراین بویایی در سوریه را تغییر داد و باعث دست‌انترازی کرملین زیر بار تناقضاتش سقوط کند، روسیه شاید می‌توانست روابط خود را با هر دو بازیگر در راستای اهداف مورد بازنگری قرار دهد.

سید محمود میرلوحی در گفت و گو با «آرمان ملی»:

عراقچی با روییو دیدار و مذاکره کند



نناید اجازه داد رفتار تندروها دوباره برای کشور هزینه ایجاد کند

زمان آن فرارسیده مسأله خود را با آمریکا حل کنیم

پنجشنبه
۱۱ • ۱۱ • ۱۴۰۳
شماره ۲۳۴
۲۹ رجب ۱۴۴۶ / ۳۰ ژانویه ۲۰۲۵

armanmeli.ir



معتقد است: «انتخابات اخیر ریاست جمهوری به خوبی نشان داد که تندروها در اقلیت محض در جامعه قرار دارند و چه کسانی که به آقای پزشکیان رأی دادند و چه کسانی که به صحنه نیامدند مخالف دیدگاه‌ها هستند. نتیجه تندروری‌ها و خالص‌سازی این گروه در سال‌های اخیر زمین‌گیر شدن توسعه کشور و افزایش فقر در جامعه بوده است. اینکه تندروها با آقای ظریف مخالف هستند و به ایشان حجه‌م وارد می‌کنند به دلیل این است که ظریف نماد مذاکره و گفت‌وگو است و این آن چیزی است که تندروها بلد نیستند و بان مخالفت می‌کنند.» در ادامه ما حاصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

آرمان ملی - احسان انصاری: مقامات ایران و آمریکا در حالی سیگنال‌های مثبتی درباره مذاکره ارسال کرده‌اند که صدای تندروهای داخلی بلندتر از گذشته شده است. تجربه تاریخی نیز نشان می‌دهد که هر زمان ایران به میز مذاکره نزدیک شده، به همان نسبت صدای تندروها بلندتر شده است. در چنین شرایطی آنچه دولت چهاردهم باید به آن توجه کند منافع ملی است که تحقق آن به خصوص در زمینه بین‌المللی با پیچیدگی‌های زیادی مواجه شده است. «آرمان ملی» برای تحلیلی و بررسی این موضوعات با سید محمود میرلوحی فعال سیاسی اصلاح طلب و عضو سابق شورای شهر تهران گفت‌وگو کرده است. میرلوحی

اگر ما بتوانیم تا مهرماه سال آینده در مسیر صحیح و تعامل با جهان حرکت کنیم، مشخص خواهد شد که برجام چه دستاوردهای مهمی برای کشور داشته است

نشان داد که تندروها در اقلیت محض در جامعه قرار دارند و چه کسانی که به آقای پزشکیان رأی دادند و چه کسانی که به صحنه نیامدند مخالف دیدگاه‌ها هستند. نتیجه تندروری‌ها و خالص‌سازی این گروه در سال‌های اخیر زمین‌گیر شدن توسعه کشور و افزایش فقر در جامعه بوده است. اینکه تندروها با آقای ظریف مخالف هستند و به ایشان حجه‌م وارد می‌کنند به دلیل این است که ظریف نماد مذاکره و گفت‌وگو است و این آن چیزی است که تندروها بلد نیستند و بان مخالفت می‌کنند.

برخی رفتار و اقدامات آقای پزشکیان با شائبه

پوپولیسم مواجه شده است. این وضعیت به خصوص در خوزستان و بیل دست گرفتن ایشان مشهود بود. در حالی که در سال‌های گذشته نیز کسانی همین رفتار را داشتند که خارطه خوبی از خود برای مردم به جا نگذاشتند. آیا رفتار پزشکیان را باید پوپولیستی قلمداد کرد؟

اینکه مسئولان جامعه و به خصوص رئیس‌جمهور از نزدیک مشکلات مردم را رصد می‌کنند و به دنبال حل آن هستند رویکرد صحیحی است. با این وجود باید این نکته را در نظر گرفت که مشکلات کشور گسترده و پیچیده شده است. به عنوات مثال اگر آقای رئیس‌جمهور قصد دارد به حاشیه شهر تهران برود تا به عمق موضوع بی‌برد، این در حالی است که حاشیه شهرهای خوزستان، سیستان و بلوچستان و دیگر مناطق کشور با تهران تفاوت ندارد و فقر به صورت گسترده‌ای در جامعه وجود دارد. در چنین شرایطی رئیس‌جمهور باید با تصمیمات صحیحی که می‌گیرد به دنبال حل ریشه‌ای مشکلات مردم باشد. امروز میزان حاشیه نشینی و گستره فقر به اندازه‌ای مشهود است که نیاز به بازدید میدانی ندارد. بازدید میدانی باید در گذشته صورت می‌گرفت که مشکل مانند امروز نشود. همه مسئولان نیز از حاشیه شهرها اطلاع دارند. اینکه آقای رئیس‌جمهور بیل دست گرفتن نیز جامعه برداشت دیگری کرد. مردم ایران به خوبی دوران احمدی‌نژاد را به یاد دارند که به همین رفتارها چه بلایی سر کشور مردم سفره مردم وارد شد. به همین دلیل باید عنوان کرد که مشکلات مردم با چنین رفتارهایی حل نمی‌شود و بلکه نیازمند تصمیمات تخصصی و کارشناسی است. اینکه آقای پزشکیان قصد دارد با چنین رفتاری نشان بدهد با مردم همراه است و به دنبال حل مشکلات است خوب است اما کافی نیست و حل مشکلات مردم نیازمند تصمیمات تخصصی و کارشناسی است. در شرایط کنونی ۳۰ درصد مردم ایران زیر خط فقر زندگی می‌کنند. این در حالی است که دولت باید تلاش کند این میزان را کاهش بدهد و فقر را به صورت ریشه‌ای حل کرد.

بعید به نظر می‌رسد که آمریکا با توجه به اینکه دانش هسته‌ای در ایران بومی شده و پیشرفت چشمگیر کرده روی حذف غنی‌سازی تمرکز کند

را توقیف کرده تا بخشی از طلب خود در راستای اجرای احکام دآوری علیه ایران را وصول کند. این وکیل دادگستری در ادامه گفت: نکته بسیار مهم اینک در طول ۱۰ سال گذشته که وکالت پرونده بابک زنجانی را به عهده داشتم به کرار و در طی ۲۶ جلسه دادگاه‌ها نام بانک FIIB مطرح شد. متأسفانه علیرغم اظهارات متعدد و دفاعیات موکل منی بر اینکه پول‌های واریزی از سوی شرکت نفت در بانک FIIB موجود است اما به دلیل تحریم‌ها حساب مذکور مسدود بوده و قابلیت انتقال ندارد.

ضبط اموال بابک زنجانی به نفع کرسنت؟

شده است. رسول کوهپایه‌زاده وکیل دادگستری اظهار کرد: در خصوص پرونده موسوم به کرسنت و حکومت دولت ایران به پرداخت خسارت هنگفت میلیارد دلاری و متعاقباً شناسایی، توقیف و ضبط اموال دولت ایران در انگلستان و هلند ایک اخباری مبنی بر تلاش بر توقیف و ضبط اموال موکل بانک زنجانی در کشور

پرونده کرسنت به یکی از تجربه‌های تلخ این سزمین تبدیل شده است. پرونده‌ای که می‌توانست موجب ارتباط نزدیک اقتصادی به کشورهای جنوب خلیج فارس شود، به عنوان مشکل بزرگ حل نشده باقی مانده و هر از چندی خبر می‌رسد که اموال کشور به حکم دادگاه به شرکت کرسنت واگذار شده است. اخیراً در خبرها آمده که شرکت کرسنت دنبال دریافت اموال بلوکه شده در بانک بابک زنجانی است. بانکی در مالزی که گفته می‌شود و چوه شرکت نفت در آن مسدود

تلنگر

موانع توافق ایران و آمریکا

سید محمد حسینی

سفیر اسبق ایران در عربستان



علائم لفظی از سوی ایران و آمریکا برای آغاز مذاکرات در حال افزایش است. دولت آقای پزشکیان از همان اول تلویحاً راهبرد خود در قبال تحریم‌ها را «مذاکره مستقیم با آمریکا» معرفی کرد و در روزهای اخیر این راهبرد را علنی کرده است. رهبر معظم انقلاب اسلامی نیز در روز مهبت با مفاهیم «حرف زدن، معامله، مراقبت» نظام اسلامی را با راهبرد دولت همراه نشان دادند. اگر «نرمش قهرمانانه» را مفهوم کلیدی بیانات رهبری برای آغاز مذاکرات برجام در نظر بگیریم، در دوره جدید، «معامله و مراقبت» مفهوم کلیدی ایشان است. از سوی دیگر دولت ترامپ نیز مذاکره با ایران پیرامون مسأله هسته‌ای را نسبت به اتخاذ راهکار جنگ «مرحج» خوانده است، هرچند علائم موجود از دولت آمریکا نشان دهنده این است که راهبرد مرحج مذاکراتی آمریکا با ایران تا جایی که ممکن باشد «دیپلماسی اجبار» خواهد بود. تذکر رهبری در باب «مراقبت» نیز ناظر بر تمایل آمریکایی‌ها به «حداکثر برای خود، حداقل برای دیگری» بود. نتیجه مذاکرات احتمالی میان ایران و آمریکا را «اهرهای امنیتی، اقتصادی، سیاسی و اجتماعی طرفین» مشخص خواهد کرد اما آنچه در این میان حائز اهمیت است، متغیرهای مداخله‌گری است که برخی از آنها شتاب دهنده و یا ترغیب‌کننده توافق هستند و برخی شان به مثابه ترمز، مانع از توافق می‌شوند. بسیاری از تحلیل‌گران سیاست خارجی معتقدند، نود درصد از ریشه‌های اختلاف ایران و آمریکا نیز به مسئله فلسطین و اشغال‌گری اسرائیل باز می‌گردد. بر این اساس، مادامی که مسأله فلسطین بویایی‌های تنش‌زا و خود جوش دارد، توافق احتمالی میان ایران و آمریکا را به شدت تحت تأثیر منفی قرار می‌دهد. دوم مداخلات منطقه‌ای آمریکا، نظم منطقه‌ای برون زاد فرایندی است که از جنگ جهانی اول در منطقه خاورمیانه آغاز شده است و تاکنون نیز ادامه دارد. مداخله قدرت‌های برون منطقه‌ای در خاورمیانه و مهندسی ائتلاف‌ها و اتحادهای سیاسی و امنیتی در منطقه توسط آنها منجر به نظم پرتناقض و شکننده‌ای در منطقه شده است که همواره نیروهای معارض خود را پرورش می‌دهد. آمریکا در شرایط کنونی، به عنوان مهم‌ترین قدرت خارجی است که نظم مورد نظر خود را از طریق اسرائیل و همیمانان خود در منطقه بی‌ریزی کرده و تقویت می‌کند. در نقطه مقابل این نظم، کشورهایی نظیر ایران قرار دارند که مخالف نظم منطقه‌ای برونزاد هستند و معتقدند نظم منطقه‌ای باید بدون زاد و از بطن فرایند سیاست همسایگی با مشارکت قدرت‌های منطقه‌ای و با مشارکت مثبت قدرت‌های برون منطقه‌ای باشد، بنابراین نظم منطقه‌ای برون زاد در خاورمیانه با محوریت آمریکا و اسرائیل و مقاومت در مقابل این نظم توسط ایران و جبهه مقاومت، منجر به رویه‌های تنش‌زاد در منطقه می‌شود و توافق احتمالی میان ایران و آمریکا را با چالش مواجه می‌کند. دو قطبی منطقه‌ای، راهبردی پر منفعت برای اسرائیل و آمریکا است که از طریق دوگانه‌سازی امنیتی در منطقه و ضدیت‌سازی با ایران دنبال می‌شود. سوم مداخلات منطقه‌ای آمریکا، قطبی‌سازی چه سودی برای اسرائیل دارد؟ هر چندر قطبیت در منطقه میان جبهه مقاومت و متمایل به بلوک غرب در منطقه افزایش یابد، میزان دشمنی نسبت به اسرائیل کاهش می‌یابد، جنابات اسرائیل در منطقه توجیه می‌شود، فرایند عادی‌سازی اسرائیل با امرعاب تسهیل می‌یابد، مسأله فلسطین در حاشیه قرار می‌گیرد، مداخله آمریکا در منطقه مشروعیت می‌یابد و ایران به مسأله اصلی در خاورمیانه تبدیل می‌شود. بنابراین اسرائیل و آمریکا همواره تلاش می‌کنند دو قطبی منطقه‌ای میان جبهه عبیری - عربی - غربی با جبهه مقاومت با محوریت ایران تشدید شود. فرایند دو قطبی‌سازی در ذات خود تنش‌زاست و توافق احتمالی ایران با آمریکا را دچار چالش اساسی می‌کند. چهارم عادی‌سازی عرب - اسرائیلی، پیمان ابراهیم، ظاهری تجاری اما ماهیتی به شدت سیاسی و امنیتی دارد که با هدف دو قطبی‌سازی در منطقه، به حاشیه بردن مسئله فلسطین، محاصره امنیتی و سیاسی ایران و تقویت الگوی جدید مداخله آمریکا در منطقه (نقوذ به جای حضور) انجام می‌شود. ترامپ، پیمان ابراهیم را برکه زین سیاست منطقه‌ای آمریکا در دولت اول خود می‌داند و پیشبرد پیمان ابراهیم جزء سرفصل‌های اصلی سیاست خاورمیانه‌ای ترامپ در دور دوم خواهد بود. او معتقد است بحران فلسطین پس از ۱۷ اکتبر ناشی از معلق ماندن پیمان ابراهیم در دوره یابین است. دولت ترامپ، استمرار عادی‌سازی میان اعراب اسرائیلی را از سال ۲۰۲۵ دنبال خواهد کرد و بدون شک این پیمان تعارضات ساختاری در خاورمیانه را به خصوص میان ایران و آمریکا تقویت می‌کند.